

صاحب امتیاز  
و مدیر مسئول  
دکتر اسمعیل  
اردلان.

# کوشش نامنه تفصیلی

بهیچ حزب -  
دسته یا جمعیتی  
بستگی ندارد

سال اول - شماره ۳۶

شنبه ۵ آذر ۱۳۲۴

نک شماره ۴ ریال

## ایران و همسایگان بزرگ

اوضاع و احوال همیشه در نظر گرفته شده است. رسیدن به هدف مشترک دوش بدوش متفقین، یعنی بیروزی نهائی همیشه یگانه آمال ایرانی بوده و در مقابل نیل بآن هر گذشتی را لازم کرده است از این جهت تمام نااملائیات را که ممکن نبود بگذرد غیر ایرانی قبول کند تحمل نمود. حال که به هدف نهائی رسیده ایم جایز نیست متفقین ما که در هر موقع فداکاریهای ما را تصدیق نموده ستایش کرده اند بیش از این فشار بر ما روا دارند.

دول بزرگ متفق همه جا مدعی هستند که این جنگ را برای نابود ساختن قلندری کرده اند اینهمه کشته که داده اند و اینهمه خرد های مالی و خرابی ها که متحمل شده اند برای آزادی بوده ما هم در این گیرودار بیکار و بی اثر بوده و فداکاری کرده ایم بنا بر این از این آمایش و آزادی ما بایسته برخوردار گردیم قبل از هر درخواست تقاضای ما این است که چند صباحی ما را با امور داخلی خود آزاد بگذارند.

این تقاضای ما نامشروع نیست. درخواست شایسته است. حق مشروع و مسلم ماست اگر بیا داده شویم در لفافه عبارات و نطق های دلخیز قطع بیا و عهده و عهد بدنه و با هزاران اگر به جلو عقب عبارات بگذارند و دروا کداری این حق مشروع ما مسامحه و تصور ورزند باید با صدای بلند فریاد کرد:

### دول بزرگ حق حیاتی برای ملل کوچک و ضعیف

قابل نیستند ما امروز شاید قریب از فرباد کادربگری نمیتوانیم بکنیم ولی قطعاً قریب ماد بگریضیدان و همدردان را نیز بعداً در آورده و آتوق است که این فربادهای مجتبع اثری خواهد داشت که روح بشریت را بتکان خواهد داد و قطعاً در این موقع است که باید بفریاد ما گوش فرادارند.

ایرانی میدانند که تمام بدبختیهای که امروز گریبانگیرش شده و تمام خرابی هایمانی که نمیتواند مرتفع کند ناشی از دخالت های نادرای دوستان است والا اگر ما را قدری راحت بگذارند قطعاً توانائی اصلاح اوضاع خود را داشت و خواهیم توانست بر این مشکلات روزمره خود که بدست نابکارانی که بصرف نزدیکی بفلان و فلان سفارتخانه برای ما فراهم شده فائق آیم و دست جنایت کار آنان را که هر یک در پس پرده ای و بنوائی در امور ما اختلال میکنند قطع نماییم.

این خیانت کاران واقعی را ما خوب می شناسیم. ما خوب میدانیم چه کسانی موجب تیرگی اوضاع و باعث نگرانی و کدورت همسایگان ما هستند ما خوب میتوانیم تمام خیانتهای آنان را کیفر دهیم ولی اگر بنا چینی فرست دهند.

شاید صلاح متفقین و همسایگان بزرگ ما هم این باشد که ایرانی قوی و همسایه دوست و صمیمی وجود داشته باشد و بتواند با نگاه با افراد و زمامداران بشام معنی ملی منافع هر دورا محترم شمرده از ایجاد کوچک ترین سوء تفاهم جلوگیری نماید.

در مقابل تقاضای آنان ناچار تسلیم بودیم ولی باید متوجه بود و دانست که ما کورگورانه تقاضاها را اجابت نکردیم بلکه نسیبیده و منجیده قبول کردیم و از صمیم قلب هم اجراء نمودیم. حال در مقابل این گلشت و صمیمیت انتظار دوستی و کمک هم داریم.

اگر در آذربایجان ما اختشاش روی داده امریست داخلی و تمییز سر اوست آن باغود ماست دوستان و متفقین ما باید ما را آزاد بگذارند که امور داخلی خود را اداره کنیم زیرا اگر ما آنقدر قادر نباشیم که حتی امور داخلی خود را نظمو ترتیبی بدهیم چگونه خواهیم توانست منافع آنان و اتان اندازه ای که باستقلال و تمامیت ارضی ما لطمه وارد نیارد حفظ کنیم. اگر بنا باشد روسها در شمال و انگلیسها در جنوب بهیچیز ما دخالت کنند این را نه وفای عهد میتوان نام گذاشت و جوانمردی نه مردانگی.

در این موقع که کابینه ای مورد اعتماد مردم زمام امور مملکت را بدست گرفته انتظار ما از متفقین از هر منوع بیشتر است رئیس دولت فنی سالیست امتحان وطن پرستی خود را داده و بکرات تکرار کرده که صلاح مملکت و حسن تفاهم و دوستی کامل همسایگان را محترم میشمارد رئیس دولت فعلی دارای وجهه ملی و معیوبیت خاصی هستند و عموم طبقات و افراد ایرانی بایشان ایمان و اعتقاد تامی دارند و از اقدامات و نظریات ایشان پشتیبانی کامل مینمایند بنا بر این هر گونه مخالفت و کار شکنی از هر منبع و مقامی نسبت بیبشرت کار ایشان نیست با اداره امور مملکت به دست ایشان بشود در فکر ایرانی اثر و خاطر ناگواری بجای خواهد گذاشت

درست است تا بحال در مقابل تمایلات و تقاضاهای متفقین که گاهی بزبان کلی ملت و مملکت ایران هم بوده ایرانی کوچکترین مقاومتی بهرچ نداده و تمام اینگونه زبان های مادی و نمونی را قبول کرده ولی در اینجا باید دانست که

اوضاع کشور این روزها بسیار بحران آمیز است. اخبار عجیب و غریبی از گوشه و کنار بگوش میرسد.

وقایع خطه آذربایجان را تهدید می کند. این تهدید با قتل و غارت و ناامنی جلوه گرفته اضطراب بی پایان در مردمان حساس ایرانی پدید آورده است. حقیقت با آنچه شنیده میشود اختلاف فاحش دارد. آن چه را میگویند غیر از آن بییزی است که هست و آنچه را که تقاضا می کنند غیر از آن است که می خواهند.

اخبار با شك و تردید تلقی میشود. هیچ خبری را میتوان با اطمینان صحیح دانست ولی چیزی که مسلم است این است که اوضاع آذربایجان وخیم است و بسیار هم وخیم.

میگویند چون سرحدات ما باز بوده و کنترلی در وقت و آمد مسافرین نبوده اشخاص مختلفه هر ایرانی بنواحی شالی وارد شده و بصیبت عده ماجراجو دست با قدمانی که خلاف مصالح ملت و مملکت است زده اند و اوضاع فعلی آذربایجان منجر شده است.

باز شنیده میشود از قواییکه از تهران برای بر سر ترازوی نظم و امنیت آذربایجان فرستاده شده در نزدیکی های قزوین جلو گیری بعمل آمده است و اطمینان از رسیدن قوای کمک کمی متجاوزین را چری تکرار کرده و دامنه افشاش گسترده تر گردیده است.

مسامحت از حرکت قوای دولتی و جلوگیری از عملیات دولت با آنچه را سران سه دولت تعهد نموده اند مغایرت دارد. سران سه دولت بزرگ بنا و عهده داده اند قبول داده اند که ما را اقل در امور داخلی خود آزاد بگذارند و از اقل و انتقال قوای ما بنقاط مختلفه کشور مان جلوگیری نمایند. ما بصورتی که هر چه را آنان خواستند در طبق اخلاص تقدیم داشتیم البته حق داریم متوقع باشیم آنها هم بتمهیدات خود وفا کنند. از اولییکه در راس بزرگترین دولت جهان قرار گرفته اند البته حفا میبایست اقل و قوای بهدرا انتظار داشت. درست است ما کشور ضعیف بودیم

## نطق آقای آصف

آقای آصف نماینده کردستان در جلسه روز سه شنبه گذشته مجلس نطقی ایراد کردند که عیناً از نظر خوانندگان محترم خواهد گذشت

در جلسه ۳ شنبه گذشته بنده بستری بودم بر حسب تصویب اطباء مجبور بودم چندی استراحت کنم بدین جهت در جلسه ۵ دینه توانستم حضور پیدا کنم عصر همان روز در ضمن مطالعه مذاکرات مجلس مشاهده نمودم که چند نفر از همکاران محترم راجع با اختیار آزادی های خارجی در موضوع کردستان بیاناتی فرموده اند. از روی حقیقت عرض میکنم خواندنی و بی شنیدن این مطالب انصاف و اسی درمن تولید کرد که در ده های عارضه را فراموش کردم و غیر از دوستان بر من وارد شده اند و از سیام در یافتند که انقلابی در من تولید شده است من هم مطلب را با آنها گفته و روزنامه را در دستشان گذاشتم و حقیقت شب ناگواری را بروز آوردم با وصف اینکه از مقام ریاست عدم حضور در چند جلسه را برای من اجازه استجازه کرده بودم در مقابل این بیانات کسالت خود را ناچیز شمرده صلاح در این دیدم که مجلس بیام و در این خصوص شرحی عرض برسانم. بقیه بنده موضوع قابل اهمیت است و شایسته میباشد که توجه آقایان را بیانات غیر مطوف دارم و تاریخی را هم ذکر نمایم؛ شایسته تمام این بیانات راجع به کردستان که در بیان این جنک بلند شده باشیامت مشاهده آن در خانه جنک بین الملل اول مرداد چار تعجب و حیرت میکنند زیرا در آن موقع هم همین افتخار عالی را داشتیم و چند نفر از همکاران هم در آن وقت در مجلس بودند یکی خود آقای رئیس است در دست بخاطر دارم در کابینه مرحوم مستوفی الممالک رحمة الله علیه (من بر خود واجب میدانم هر وقت نام آن مرد مبین پرست شریف بر زبان جاری شود جمله رحمة الله علیه را بگویم (صحيح است) در بین مرحومین نصرت الدوله و سایرین میرزا مبارزه های پارلمانی بود (دکتر ادمش رحمة الله علیه) بله رحمة الله علیها شاهرزاده سلیمان میرزا جزو اکثریتی بود که دولت را روی کار آورده بود نصرت الدوله که هو اقلیت بود در ضمن اقتاد (سیاست دولت به روزنامه خارجی که حاوی نقشه تجزیه و استقلال کردستان بود در دست داشت آن را خوان و وسیله حمله بدولت وقت قرار داد البته يك مذاکره ای در بین این دو شاهرزاده رد و بدل شده از موقع استفاده کردم و از جناب آقای پیرنیا که ریاست مجلس را بر عهده داشتند اجازه خواست و عرض کردم دو عضو اعلی خورده حساب خود را سرچلو بلاس اکراد تفریح می نمایند احق و اولی این است که بنده اجازه فرمایند در این خصوص اظهار نظر و عقیده

بنمایم همه موافقت کرده و در ضمن شرح مفصلی که بنده راجع بوضع سابقه اکراد و خدمات و مجال پرچم کرده بایران بیان نمودم اسمی از خود مستوفی بردم زیرا والله ما جده ایشان کرد بود پس از آن با ذکر دلایلی زیاد آن شایسته را تکذیب نمودم خوشبختانه صورت مجلس آن روز البته در تنه نویسی بایکسانی است شاهد عرایض بنده است تاریخ ۲۵ سال فاصله در جنک نشان داد که جانم کرد هلا بیانات مرا تأیید نمودند و ثابت شد که اظهارات من انعکاس افکار و آمال قلبی فرد فرد کردهای ایرانی میباشد اکنون نیز در خانه جنک اخیر موضوع تجدید مطلع شده و همان نقشه شینده میشود.

آقایان محترم بخاطر دارم که در سال گذشته مناسبتی در کابینه آقای ساعد در این زمینه می انجامید اظهاراتی نمودم حال نیز مجبورم نکات بیشتری بر آن تذکرات بیفزایم:

از همان روز هائی که گفته دسته طوایف آریائی یعنی اجداد ما باین سرزمین آمدند کرد ها دسته ای از آن طوایف بودند که خاک قلبی کردستان و نواحی اطراف آن را مسکن خود ساخته و رسوم و آداب آریائی خود را در این سر زمین رواج دادند امیر نشینهای این قسمت از دو هزار و پانصد سال با بنظر مهربان ابرایت بوده و مدافع جدی مرز و بوم ایران باستان و تمدن و فرهنگ آریائی بوده اند (صحيح است) هر وجه این خاک یادگار فدائاری و اوجان گذشتگی هزاران دلیر کرد است که متجاوزین را بقوت بازو و نیروی ایمان بجای خود می نشانند و ملیت و افتخار قومی خود را حفظ میکردند کرد های قلبی با ساکنین این قسمت از ایران زاده این شهداء و باز ماندگان نیاکان بر افتخار خود میباشند (صحيح است) که از جان گذشتگی و فدائاری در راه ایران را افتخار جاودانی خود میدانند (صحيح است) تاریخ نشان میدهد که در این قطعه از ایران عصبانی که بوی جدائی از آن بیاید روی داده باشد و اگر هم وقایعی روی داده صرفاً جنبه داخلی داشته و برای این بوده که بهتر و بیشتر بتواند وظیفه بزرگ ملی یعنی حفظ حدود و نگاهداری تمدن باستانی را پایبند رساند. امروز نیز با آقایان محترم عرض می نمایم که گذشت زمان این شعله را در دل های ساکنین کردستان خاموش نموده است و اگر بواسطه بی مهربیهای خودی خاکستری بر آن نشسته احساس خطر خارجی آنرا فروزان تر و

تاب ناکتر نبوده است بهتر است دولت درصدد تحقیق سرچشمه این اخبار نادرست برآید و در مجلس توضیح دهد زیرا شایسته نیست که موضوع های حیاتی باز بچه اغراض خصوصی گردد. این سخن افکار طیبیه و منطقی باید در میان متفکرین و دانشمندان و اشخاص مؤثر پیدا شود تا مشر شر و غایبه گردد. من یکی از افراد خانواده قدیمی کرد ساکن سنج هستم و نایبند کردستان ایران و به خصوص نایبند چهارم و پنجاه الهی با صد هزار نفر شهری و عشایر سنج و اطراف میباشم بجزرت میتوانم این شایعات را تکذیب نموده (صحيح است) و اظهار بدارم که در میان آنها چنین افکار موسمی بیجوجه وجود نداشته (صحيح است) و کردستانیان که کردستان را با زوری رست ایران عزیز میدانند (صحيح است) از این قبیل اتهامات مبرابوده و با تریب ۱۵ میلیون جمعیت ایرانیکه بنامهای ترک فارسی و عرب از این آب و خاک استفاده میکنند برادروار زندگی نموده و هیچگونه جدائی بین خود نمی بینند از موقع استفاده کرده و مقتضی میدانند که از مسائلی را که در این جنک متحمل شده ایم بعرض رسانم زیرا دبانه بحث فوق نیز با اینجا کشیده میشود.

سیاست جنگی و نکات استراتژیکی در اوایل جنک یعنی سوم شهریور ۱۳۲۰ متفقین را وادار نمود که فتنون هائی بایران داخل نمایند ملت ایران پس از اینکه از مقاصد متفقین معظّم مطلع شد و دریافت که فقط مقتضیات و احتیاجات جنگی آنها را وادار میکنند عملی نموده نه خصوصیت دست دوستی بسویشان دراز کرده در مبارزه که با اهریمن زور و دیکتاتوری در گرفته بود در صف مجاهدین آزادی فرار گرفت و اگر چه افراد آریائی رسماً در غلظت جبهه حضور نیافتند ولی در راه هدف متفقین از آنچه که در توانائی داشت کوشش نمود. ( نمایندگان - صحيح است ) تا بجائی که ایران بحق شایستگی نام بر افتخار بل پیروزی را پیدا کرده ( نمایندگان - صحيح است ) و واقعا مصداق رنج خود و رست یاران طلب گردید و اگر غیر از این بود ممکن بود بواسطه دیر رسیدن مهمات بیدان های جنک سر نوشت دنیا تغییر یافته و بالا اقل شکست دشمن را بتأخیر بیندازد. ( صحيح است ) مشی روابطاً در ابتدای همکاری با متفقین بر طبقی پیمان سه گانه روشن و مقررات تعیین پیمان بعد ها بوسیله اعلامیه انجمن تهران تأیید و مسامی آریائی در راه پیروزی ستوده شد ملت ایران دار و ندار خود را در راه پیروزی کف دست گذاشت و خوشبختانه خیلی زود تر از موعده احتمالی احاطه قلبه بر دشمن فرارسید و صف متفقین به درک افتخار فتح نائل گردید و دومین جنک جهانی پایان یافته و روز پادشاه فرارسید ملت ایران انتظار داشت همان قسم که در تحمل مصائب و گرفتاری های زمان جنک سهمی طاقت فرسا بر عهده داشت از نترس پیروزی نیز بهره مناسبتی داشته باشد خصوصاً که وفای به عهد از خصایص مردان بزرگ عالم است ( صحيح است ) و ما نیز بیترکی به پیشوای ملل متفق ایمان داشته و بعهده آنها امیدوار بودیم؛ سران بزرگ متفق خوب است باین ضرب المثل آریائی که میگوید: يك سوزن بگوید بزنی جوالدوز بدیگران توجه تر نمایند و تصدیق کنند که دیدن سرباز بیگانه ولو دوست و متفق باشد برای هر وطن پرستی ناگوار است ( صحيح است ) خصوصاً از لحاظ اداره کشور نیز ما دچار مشکلاتی شده ایم اولین قدم هم راهی متفقین این است که هر چه زود تر قبل از موعده مقرر بعهده خود وفا نمایند ( صحيح است ) البته اگر قوای متفقین زودتر از کشور ما بیست رفتند و خاطر خوشی از دوستی خود در دل های ما بانی گذاشتند برای ما ضرورت دادن بکارهای داخلی خیلی سهل و ساده تر از امروز خواهد بود. من مخصوصاً از يك فراز از گفته های اخیر مستر اعلی نخست وزیر انگلستان را در سنای آمریکا که میگوید: ما هرگز نخواهیم. توانست کشور خود را تبدیل بفردوس برین نموده و چشم رادر خارج از کشور بحال خود بنگداریم. انتقاد سند نموده و با کمال ادب عرض میکنم جناب مستر اعلی رئیس محترم دولت کارگری بریتانیای کبیر ما از دولت پادشاهی انگلستان و دول اتحاد جماهیر شوروی و آمریکا و دولت های دوست و متفق معظّم خود که برای آزادی ملل کوچک آن همه کوشیده اند انتظار داریم که بتا بوعده خودشان نسبت بایران بیشتر از اینها مساعدت هائی که مطابق آمال قلبی ایرانیان است نموده ( صحيح است ) و ما را بحال خود بنگدارید بقیه در صفحه ۶

### نطق آقای صدرقاضی

«آقای صدرقاضی ندیده مهیاباد نطقی شرح ذیل روز سه شنبه گذشته راجع به کردستان در مجلس شورای ملی ایراد ننودند»

سلطان را بر حسب عقیده مذهبی اولوالامر و واجب الاطاعه میدانند و بنا بر تریب مذهبی فوق العاده بنفام سلطنت علاقتند میباشند همچوقت مسکن نیست از عقیده خود روگردان شوند و بر خلاف آن عمل کنند همین آقایانی که میگویند مسافرت کرده اند کسانی هستند که بارها امتحان خدمتگداری و وطن پرستی داده اند و بگواهی عموم نیز تاکنون خطه کردستان مهیاباد را بهتر و آرامتر و امن تر از سایر جاها نگاهداشته اند غالب این آقایان هر وقت دولت خواست یک اشاره تلگرافی از خانه زندگی و کار و کسب خود دست کشیده بهر آن آمده و از آقایان اصف مبطلمب معنی نبرد این است و با منم کردن این قبیل عناصر خدمتگداری بیعت میهن و بیشتر چه اثرات و انعکاس سوئی در روحیات آنها باقی میگذارد این رویه خوب نیست تعجب خواهد کرد اگر بگویم موقعی که بار سال همین آقایان در طهران بودند پشت سرهم گزارش های تلگرافی بهر آن میرسید که آقایان در محل مشغول آنریک و دسیسه بازی هستند و کسی پیدا نشد باز خواست کند و بگوید آقایان چند ماه است طهران هستند منظور از این گزارش های خلاف واقع چیست بنده عقیده دارم آقایان مامورین دولت و ارباب جرایم مخصوصا باید مراقبت و توجه بفرمایند که کاری نکنند که ثلوث را جریحه دار نمایند و با اظهارات خلاف واقع و با توجه گزارش های مفروضین موجبات دلسردی بکفایت از سکنه کشور را فراهم سازند البته همه آقایان شنیده اند که ضمن اشارات راجع به مسافرت ساختگی اخیر بعضی ها نوشتند که چند کامیون اسلحه با خود آورده اند بعضی دیگر چند ماشین تحریر و کاغذ گفتند و حتی برخی مدعی بودند که خود با چشم دیده اند اولاً باید عرض کنم که اسلحه در میان افراد هست و احتیاج به خریدن از خارج نیست تا آنجا که بنا بود دیگران اسلحه بگردند بدهند لازم بفرق کردن شهر و این ترتیبات که جلب انظار را بکنند بود مگر جا تعداد است یا وسیله نیست که اسلحه را مجرمان در مهیاباد تحویل بدهند همینطور آوردن ماشین تحریر و کاغذ را جزء اسرار سیاسی قلمداد نباید این انکار حقیقته باید بگویم از من اشخاصی تراوش میکنند که کوچکترین حس وطن پرستی و ایرانیت در آنها نیست بلکه اشخاص پستی هستند که صرفه و صلاح خود را در این می بینند که میدانی بدست آورده و پشیمانی اختیار در جان و مال و ناموس مردم بشوند کسانی که کرد را بر خلاف واقع مردمان بیعلاقه بوطن و مملکت معرفی میکنند را مخطا میروند و معلوم نیست خودشان یا کجاها سرور دارند بنده بطور صریح عرض میکنم کرد ایرانی بوطن خود علاقه مند میباشد کردها مردمان شجاع و وطن پرست و با غیرت هستند (صاحب است) و هر قدر از طرف اولیای دولت مورد بی مبری یا بی اعتنائی شوند از عقیده و علاقه خودشان با ایران صرف نظر نمی کنند ولی این شایعات که در اطراف جریان دارد بزرگ غیرت آنها را میبرد شاید مقصود مرضین هم همین باشد که باین وسیله آنها را از دولت مایوس نمایند در هر حال بنده توجه همیشه دولت را برایش خود جلب و نمیی میکنم اولاً بوسیله اشخاص بی غرض و معطن حقیقت این گزارش ها را روشن بفرمایند تا آنجا که انتخاب مامورین و اشخاصی که بر سر پرستی نواشی گردنشین میروند وقت کافی بشود تا گرفتار هواقب و نتایج سوء انتخاب مامورین نالایق و مفرض نشویم در خانه توجه رئیس محترم دولت را باو شاع فرهنگی و بهداشتی شهرستان مهیاباد که مورد این همه کم لطفی واقع شده است جلب مینمایم شهرستان مذکور نه فرهنگ حسابی و نه بهداری دارد.

امیدوارم فرهنگ و بهداشت آن شهرستان را مورد عنایت مخصوص قرار دهند.

چون بنده می بینم فقط در مواردی که تهمت هائی میرسد اسمی از مهیاباد برده میشود والا در بودجه مخصوصا در موقعی که از فرهنگ و بهداری صحبت میشود مناسفانه مهیاباد کوچک است و اصلا محلی از اعراب ندارد ولی موقع تهمت زدن تهمت های خیلی بزرگ با آنجا میرسد که از وصف و قدرت آنجا خارج است

آقای منافع کریسی مبلغ سیصد ریال بوسیله اداره روزنامه کوهستان برای کمک به تعمیر بارگاه حضرت ویس ارسال داشته اند که بوسیله نماینده گی نامه کوهستان در ستندج بحساب تعمیر بارگاه واربع شده است

آقایان و شخص آقای حکیمی نخست وزیر را بیاره ای جربانانی که برخلاف مصالح عموم می شود متوجه سازم تا انشاء الله برای جلوگیری آن اقدام موثری فرمایند یکی از مسائلی که باعث فراق و کدورت بین افراد جامعه میشود ایجاد بدگمانی آنها بیگانه بگراست مخصوصا وقتی بارها اشخاص اعم از مقامات رسمی یا غیر رسمی اصرار داشته باشند که مقامات عالی کشور را با حرف های خالی از حقیقت نسبت بطبقات دیگر ظلم کنند تا شاید بتوانند از این آب گل آلود بخوبال خود راهی بگیرند بنده بسط مقال را درین مورد لازم ندیدم و فقط آنچه را که مر بوطا به حوزه انتصابیه بنده است عرض میکنم از پارسال باین طرف گزارشهای جدیدی بر علیه مشایر کرد بر مرکز دادند که خوشبختانه پس از تحقیق هیچیک از آنها حقیقت پیدا نکرد و بهترین دلیل همین که وضیعت قلمی منطبقه کرد نشین بحال سابق باقی است و از آنچه نسبت داده بودند اثری ظاهر نشد این را هم قیلا عرض کنم که مقصود بنده این نیست که در بین مشایر کرد اشخاص شور و پیدانی شود در هر کشور و در هر جمعیت مردمان بد و مفتن هستند ولی بطور کلی نباید یک منطقه مهم کشور را بشعربک چند نفر مفرض یا بد خواه از دولت مایوس نمود و آتش زدن از شهر بود ۱۳۲۰ تا بحال چندین مرتبه روسای عشایر کرد و غیره و کسان دیگر حتی از کارمندان رسمی دولت مسافرت هائی کرده و پس از چند روز توقف و مشاهده ترتیبات محل و مؤسسات فرهنگی همسایه های دوست و متفق مراجعت کردند بدون اینکه کوچکترین تئیری در روحیات این اشخاص با درجه وطن پرستی آنها حاصل شده باشد اخیراً هم شایع شده که عده ای مسافرتی نموده بنده هنوز اطلاع صحیحی از صحت و سقم آن ندارم همین قدر در روزنامه ها دیدم که آقایان مسافرت خود را تکذیب کرده اند مذهباً ملاحظه فرمودند که باین مسافرت بی اساس چه پیرایه ها بستند چه نسبت های دروغ با آب و تاب بآن دادند مثلا گفتند که کردها انجمنی برای تجزیه خود تشکیل داده است که ک. ک. ک. که یعنی گومله کمونیست کرد است علامت آن اولاً این علامت گومله گنج کرد است یعنی انجمن جوانان کرد تا آنجا که مرکز این در عراق است و ابتدا بکرد های ایران مربوط نیست و چنانچه آدمهای آنها با ایران بیباید و مراد کند تصور نمیکنم تبلیغاتشان در عشیر و کرد اداری اثری کرده باشد و نیز انتشار داده اند که در مهیاباد نشتال علی حضرت شاه را از ادارات برداشته اند او را همه میدانند کردها

گویا بنده حق داشته باشم از مجلس از آقایان محترم این گله را کرده باشم که حوزه انتصابیه بنده یک حلاتی میشود اگر بنده ساکت بنام اعتراض میفرمایند که چرا نماینده اش ساکت بوده است وقتی میخواهم یک مطالبی را عرض آقایان بفرمایند تا نوبت بنده میرسد صداها بلند می شود دستور دستور (یکی از نمایندگان - بفرمایند آقا) و بنده تضامین این است که آقایان نسبت ببنده یک لطف و توجه بیشتری داشته باشند چون اگر غیر این باشد آن وقت حمل میشود که خدای نا کرده نسبت ببنده که یک نماینده محلی هستم و از یک گوشه کشور آمده ام و البته نفوذی در مجلس ندارم آن وقت آقایان تئیبی قائل هستند (ببین اسفندیاری ایدا این طور نیست. بفرمایند آقا) عرض کنم بنده یک مطالبی را اینجا استخراج کردم و میخواستم در اطراف این اراضی که این روزها در افوا شایع بود عرض مجلس شورای ملی بفرمایم و متاسفم در جلسه اسبق هم یک اشتباهی برای یکی از همکاران محترم بنده رخ داد و آن عبارت از این بود که همکار محترم بنده خیال کرده که بنده اعتراض میکنم چرا بعضی از روزنامه ها انتشارات رادیوهای پاریس را نوشته اند در حالیکه این اعتراض را بنده نکردم عرایض بنده این بود که این شایعات تقصیر بعضی از جرایم مرکز هست که بدون تحقیق مطالبی مینویسند و روزنامه ها و رادیوهای خارجی مطالب و اخبار آنها را میگیرند و در دنیا منتشر میکنند بنده اعتراضم این بود حالا هم عقیده ام این است بنده عرضم این است که مطالب را بایستی خودمان بسنجیم و تشخیص بدهیم مطالبی که برخلاف مصالح کشور است اینها را نباید اجازه بدهیم که در روزنامه ها نوشته شود چون وقتی که چهار نفر ماجراجو روز هم بنشینند و یک خواب هائی بینند کسی از آنها اطلاع ندارد کسی از آنها اطلاع ندارد مایبایم در اطراف این مسائل خودمان یک چیز هائی فرض کنیم و شایع و برگی بدهیم و این را بیاریم در روزنامه های مرکز منتشر بکنیم و آن وقت انتظار داشته باشیم اینرا رادیو های خارجی بگویند (صاحب است) این بود که بنده عرض کردم والا بنده جسارتی نکردم و کامل بنده بیطرف هستم و بنده بکشفی هستم که جز صلاح کشور نظری ندارم بنده البته امتحان خود را داده ام و شاید درین آقایان وزراء هم باشند که از نزدیک بوحضرت بنده آشناسند و لزومی ندارد که بنده در اطراف خود توضیحاتی بدهم بنده موقع راقتم می شمارم که خاطر محترم

### کود کستان سندیج

ایجاد و بقایش باید بر پایه علاقه و رغبت باشد

عده ای از جوانان روشن فکر - کردستان که فعلا برای تحصیل مقیم تهران هستند و خانواده هایشان در سندیج سکونت دارند علاقه مفراطی بشکلیب کود کستانی در شهر سندیج ابراز میدارند و چنان با علاقه این موضوع را تبلیغ میکنند که واقعا قابل ستایش است.

اینان که اکنون مراحل تحصیلات عالی را میپایانند و به میزان اهمیت لزوم تربیت اولیه و انفس شده اند و بر خلاف کسانی که هنوز از شهرهای کوچک با - بیرون شهاده اند و با همان افکار کهنه که مثلا تحصیل بدرد نیخورد یا کود کستان و مدرسه بچه را بد اخلاق میکند با مکتب از مدرسه های جدید بهتر است و انواع آن با زندگی قرن بیستم و ترقیبات معیر - العقول دنیا دست بگریباند میداند که تحصیل علم و تربیت اولاد بهترین سرمایه - است که ممکن است پدر برای فرزند بجای بگذارد.

برای درک این موضوع لازم نیست خیلی دور برویم لازم نیست امثله و خواهی از چند صد سال پیش بیاوریم دنیای امروز را بنگریم و قدری فکر کنیم . بدون مقدمه ممکن است میل کنی دستخوش وقایع و جنگلهائی گردد که در یک چشم بهم زدن متحول ترین اشخاص بیچاره ترین اشخاص گردد . این شخص تروتنه که روز قبل از این اتفاقات از خوشبخت ترین اشخاص و بی نیازترین مردم بود و او امیدواری فوق العاده ای بیروت خود داشت چنین روزگاری را حتی در خواب هم نمیدید هیچ ممکن نبود فکر کند با این تروت سرشار ممکن است روزی بنان شب محتاج باشد . او این تصور ها را نمیکرد بلکه بیروت خود انکای عجیبی داشت و گمان میکرد اگر دنیا هم زیر او شود این این تروت او را از هر بلیه و خطری نجات خواهد داد .

امروز می بینیم تروت و دارائی قابل اعتماد نیست چند صباحی ممکن است برای شخص پشتیبان و وسیله بسیار مطمئن و - زورمندی باشد ولی اوقاتی هم ممکن است پیش نیاید که همان موجب بیچارگی و درماندگی انسان شده و حتی سر او را هم بقتل بدهد .

ترونی با دوام و قابل اعتماد است که در نهاد شخصی ایفته باشد ترونی قابل اطمینان و انکاء است که به پیچوجه از انسان جدا شدنی نباشد آن تروت نه پول است نه ملک است نه جواهر است نه لباس فاخر و گرگان بها و بلکه آن چیزی است که باید در کعبه منزه نهان باشد آن علم و دانش است آن تربیت فهم و شعور است بنا بر این پدر اگر بفرزند خود علاقه

دارد بجای آن که برای اموال و ثروت اندوخته کند باید برای او متاع علم و دانش خریداری کند منظور از خریداری علم و دانش خرید دیدام و گواهنامه و مدارک تحصیلی نیست بلکه پدر با فهم و شعور کسی است که فرزند خود را بتحصیل تشویق میکند و مسائل تعلیم و تربیت او را تا اندازه ای که میتواند فراهم کند و سعی نماید بعد اکثر امکان او را با علم و دانش و تربیت باز آورد . اگر چنین پدری مرد با اطمینان خاطر و بدون دغدغه و ناراحتی جان خواهد سپرد زیرا میداند فرزندش زندگی هراتمندانه میتواند داشته و نام او را زنده نگاهدارد ولی اگر پدر بجای علم و تربیت برای فرزند تروت گذاشت در بیش از ۹۰ درصد اوقات آن تروت زیاد خواهد رفت و جای آن را بیچارگی و فقر و غنا خواهد گرفت در چنین روزهایی است که فرزند بر پدرش نفرین میفرستد که چرا بجای مال علم و دانش برای او کسب نکرده بود .

امروز شاید ایجاد یک کود کستان مثلا در شهر سندیج یا سردی کامل تلقی شود و مردم اگر کسی مالی بکنند با نهایت اکراه باشند ولی اگر خوب در مسطوری که فوقا نگاشته شد دقت نمایند و بوضع خود و تعداد اولاد و آنچه آنان فکر کنند و آن روح استبداد و خود خواهی را یک دقیقه از خود دور سازند و همین یک - دقیقه فضالت کنند و تصمیم بگیرند قطعا بتوجه دیگر از این امر استقبال خواهند نمود .

ممکن است بین ایراد کنند جامی که مدارس مرتبی ندارد کود کستان چه فایده دارد چرا مردم بی جهت پول بدهند کود کستان درست کنند و بچه های خود را تلف نمایند اما من چه فکر میکنم من معتقدم که اگر کود کستان درست می - شود باید با علاقه و ایقان باشد همان علاقه و ایقان موجب میشود که اولاد کود کستان ایجاد شود تا نیا مراقبت نمایند که خوب هم اداره شود و قتیکه این علاقه و ایقان بود قطعا بد ادرس ابتدائی و بعد متوسطه سرایت خواهد کرد و تا میسر یک کود کستان چه بسا ممکن است تسولات اساسی و قاطعی در اوضاع فرهنگی آن سامان بوجود آورد .

من در همه جا و در کلبه شتون اجتماهی منقدم که اساس کار بدست خود مردم است اگر ناحیه ای ویران است در درجه اول خود مردم آن مسئولند اگر دزدی رواج دارد در مرتبه اول مقصر مردم - آنجا هستند اگر فرهنگ ندارد خود تقصیر کارنه اساس پیشرفت کار ها علاقه و رغبت مردم است زور و فشار اگر هم تغییر در

### اوضاع وطن از نظر

#### جوهری

وادین کردانی اطرائی شمال مردانه بون باوقابون، طاللی مهر وولای بیگانه بون عاشق و مفتونی عشوه و غمزه کی جانانه بون داخوراس بیت یا که خلگی تا بی اسماه بون چاکه تی فکرین له احوالی وطن بوجی وای ویران بوه مالی وطن هلتی اصلی نغان و اختلاقی ملته باغتی ام اختلافاه گرافی ملته ام هبو بدیغتی ناشی له لانی ملته

جاری ام ناچاره باز اتلاقی ملته لت لته جرکم له دس ام ملته کت کته برکم له دس ام ملته

ام دلی اوسنه و پسه و به شیغه معتقد اودلی ام شیبیه و بوسب و رفته مستند ام دلی اوظناله و ماہل به جوړه و مستبد

او دلسی ام باقیسه اویاغیه او منتقد داده دس احوالی جهالی وطن داده دس اعمالی عالی وطن

پیشوا کانتان دکن هر یک به نوعی اجتهاد ام دکاوا اجتناب و اود سکالم انتقاد ام ددانست به کرداری اوی ترار تداد او دکا نسبت به کنتاری اوی تراستاد

زادو بیزارم له بیکاری وطن هدمی عارم له بیماری وطن ام دلی من یاده نوشم باغه سرشار دخوم اودلی من طاللی یارم فریبی یار دخوم

ام دلی من حزیم و بر تیل له دس اغیار دخوم او دلی من خادمم و استی در یار دخوم ام گراف وام خرافا ته چیه باغتی ام اختسلافا ته چیه

جوهری - تا اهل ایران یکدل و یکسان له بن تا بیسی امری خدا و بیروی قرآن له بن تا له حزبی مسلمین و حلقه مردان له بن تا مطیعی دولت و امری اولوالامران له بن

مشکله ام درده درمانی بیی زحمته ام هجره پایانی بیی

مشکله ام درده درمانی بیی زحمته ام هجره پایانی بیی

اوضاع بدهد موقتی و ظاهری و بی دوام است ولی آنچه را علاقه مردم پایه گذاشت قابل دوام و مایه امیداست

در همین موضوع اگر قلندری باشد و توی سر مردم بزنده از ترس همه کمک میکنند پول هم میدهند بچه هایشان را هم بکود کستان خواهند فرستاد ولی هینکه آن زور از میان رفت ولو اینکه مردم فرستادن بچه را بکود کستان خوب بداند همان فشارهای وارد شده قبل بگانه وسیله خواهد شد که دیگر بچه ها بکود کستان فرستاده نشوند . در این مورد هم امثله زیاد است : خانه های روستائی مازندران متعدد الشکل نبودن لباس - کشف حجاب و . . . اینها چون بازور علمی شدند پس از مرتفع شدن عامل و فشار بحال اول رجعت کرد : خانه های روستائی ویران شد مردم بلباسهای سابق درآمدند ، چهارد و چاشخور رواج یافت . . .

پس باید قبول کرد که در پیشرفت هر کار علاقه و رغبت مردم لازم است حال درباره کود کستان سندیج سیدام این علاقه و رغبت هست یا نه و سیدام پس از خواندن این نوشته و توجه بنکات لازم آن چنین علاقه و رغبتی ممکن است ایجاد شود یا نه باید منتظر بود و دید پیشوایان و آنهاییکه فرزند را از مال بهتر دوست می دارند چه عقیده دارند و چه خواهند کرد .

بفلم آقای معمد مردوخ (آیت الله کردستانی)

# گرد و گردستان

-۳۴-

سنه اردلان

## « حکومت خانه پاهای بابان »

پس از فرار علیقلی خان اردلان . در سنه ۱۱۳۲ هجری خانه پاهای بابان ولایت کردستان را متصرف شده از کرکوک تا ناهندان را محیطه اقتدار خود در آورده با اهالی بطریق عدل و داد و رافت مهربانی معامله کرده است . با نیت اهالی در زمان حکمرانی او نهایت آسایش را داشته اند مسجد و مدرسه بزرگی هم در قریب جوار قلعه حکومتی برپا نموده و مناره غیبی مرتفعی برای اذان در آن مسجد قرار داده است . این مسجد و بنای مدتی یکصد سال در کردستان باقی بوده . بعد امان الله خان بزرگ والی کردستان . از نقطه نظریت قومیت و تعصب ایلیت آن مسجد را خراب و مناره را از بنای دور آورده . و در محل آن مسجد و مدرسه باغ فردوسی را احداث نموده است . که حالا باغ هم بکلی ویران شده و میدان حش قشوی گشته همه غلامه خانه یا شامندت چهار ساله در کردستان حکومت کرده . و در سنه ۱۱۳۶ هجری هایشان پسر خود را به حکومت سنه در جا گذاشته . و خود بجای ملک بابان مراجعت کرده است . در این تاریخ سرتاسر ایران را هرج و مرج و آشوب و انقلاب فرا گرفته خصوصا منطقه شمال و غرب که میدان تاخت و تاز پاهای بابان شده است از یکطرف احمد پاشای بابان حمله بکرمانشاه و همدان و بروجرد و نهاوند برده آن سالک را غارت و تصرف نموده است . از طرف ارضروم نیز عسکر عثمانی مالک وان و باقلعه و آذربایجان و غیره را تا خسته تصرف در آورده است سایر نقاط را هم روس و افغان متصرف شده اند .

## « حکومت علیخان بابان »

پس از مراجعت خانه پاشا بسبت بابان در سنه ۱۱۳۶ هجری علیخان پسرش بر مسند حکومت اردلان استقرار یافت . این جوان نورسیده با وجود هدایت سن و عشقوان شهاب داری خلق کریم و لطف مہم و کردار متین و گفتار شیرین بسوده بیشتر اوقات خود را در صحبت علماء و ادباء و اهل معرفت بسر برده است مدت هشت سال با کمال مهر و معیت و اهلیت در کردستان حکمرانی کرده است .

در سنه ۱۱۴۲ هجری آوازه قدرت و شوکت نادر شاه افشار که در آن هنگام سپهسالار شاه طهماسب ثانی صفوی پسر شاه سلطان حسین بود و او را طهماسب قلی خان میگفته اند در جمیع اقطار ایران انتشار پیدا کرده و شهرت میدهند که هازم کرمانشاه و همدان و کردستان است .

علیخان بابان هم که احساسات اهالی کردستان را متعایل بدولت ایران مبیند ، بدون جدال و نزاع کردستان را بدرو گرفته بولایت بیابان مراجعت مینماید .

اهالی فوراً شرح قضیه را بدربار شاه طهماسب صفوی معروض داشته بتسویب طهماسب قلی خان « نادر شاه » عباسقلی خان اردلان سابق بحکومت کردستان منتهی و سراسر از و چراغ اردلان بار دیگر فروزان میگردد .

## « حکومت عباسقلی خان اردلان نوبت ثانی »

پس از مراجعت علیخان بابان - بسبت کرکوک - در رمضان ۱۱۴۲ هجری عباسقلی خان اردلان از طرف شاه طهماسب ثانی صفوی بتسویب طهماسب قلی خان سپهسالار « نادر شاه » بحکومت کردستان مقرر و روانه گردیده طولی نیکند از دار دنیا در میگردد و پسر او سبجانوردی خان بجای او مینشیند .

## « حکومت سبجانوردیخان اردلان »

پس از فوت عباسقلی خان اردلان ، در ذیقعد ۱۱۴۳ هجری

## بی شینان و تویانه

پیشینان گفته اند

- ۱- کاله گاگل بریا ، یا کرک ای خوات یادزای وات  
گاواکه از گاواکل جدا شد یا کرک می درد یادزد می برد
- ۲- برسینان له روی له کوه یوه تیت ، وتی له حمام .  
رتیان «پاره وه دوک تا»  
از رویاه برسینان از کجا می آئی گفت از حمام گفتند از دمت پیدا است .
- ۳- براله پشت برایی ، مگر باکی له خوابی .  
برادر اتکاه بر برادر داشته باشد مگر از خدا بترسد .
- ۴- تانهجی وطن کر ویشک وطن اگریت .  
شمال پیشه مازندران را ، بگیرد جر سک مازندران
- ۵- سنک له جیگای خوبی سنگینه  
سک در خانه ساحش شیر است
- ۶- اگر دنگم خوش بودایه - به - ری قبری باوکی  
خومو اگریام .  
اگر صدایم خوب بود سرفیر بابام گریه میکردم .

۷- هو ری بو سنه اچیت  
همه راه با سنندج می رود

۸- جیگای سر بکرو خوبی جی بی اکانو  
جای سردا باز کن خودی جای پارا هم باز میکند  
این ضرب المثل از میان ضرب المثل های ارسالی آقای داود ایران دوست (از روانسر) انتخاب و ترجمه شده است .

سبجانوردیخان پسرش بر مسند حکومت مینشیند .  
حکمران در پایان تالار ایستاده بوده نادر شاه میگوید :

سبجانوردیخان ما بیامده ایم جای ترا  
فصیح کنیم تالار غیبی بزرگ است مادو  
این سنت سلطنت میکنیم شاهم در آن  
سبت حکومت کنیده .  
سبجانوردیخان بشکراته این مکرمت  
چهارده هزار دین روغن و هزار تومان وجه  
تقدیم میکند .

نادر شاه از کردستان بجای خراسان  
و هرات حرکت کرده اجدهخان پسر سبجان  
و سردیخان هم بجایم از دیش سیدان و  
اعظم کردستان که از آن جمله افشوردی  
بیگ و حسن بیگ (پیر اسکندری) بوده اند  
با پانصد سوار زبده در کتاب ظفر اتساب  
حرکت میکنند .

نادر شاه پس از تاجگذاری در صحرائ  
مشان در شوال ۱۱۴۸ سبجان وردیخان را  
در نتیجه شکایت اهالی مزول و مدسلفی خان  
برادر او را بحکومت کردستان منسوب  
مینماید .

مدت حکومت سبجان وردیخان در این  
نوبت اول پنجسال و بیست ماه بوده است

سبجانوردیخان ردهی پرهیز کار و  
عادل و با اهالی کردستان بوضع ایلیت و  
همعشری سلوک میکرده . غالب اوقات را  
در صحبت مرحوم جمال الدین پسر شیخ عبد  
المؤمن اول (علیچده مولد) که در مسجد  
خانه پاشا غطیب و امام جمعه و مدرس بوده  
بسر برده است حساب و سببان را نزد او  
تحصیل کرده است .

در توسعه آبادی شهر ، و تعمیر دار -  
الایاله اهتمامات کافیه میندول داشته در  
۲۸ محرم ۱۱۴۴ سبجانوردیخان با ایل  
اردلان مامور طهران شده و در همانسال  
مراجعت کرده است .

سیس در تاریخ ۱۱۴۷ هجری نادر  
شاه بعزم تسخیر شیروان از اصفهان حرکت  
کرده در ۱۸ صفر همان سال وارد سنه دوازدهم  
است .

در تالار رو بتوله یعنی تالار روبه  
شمال مبارز حکومتی جلوس میفرمایند .  
تالار مذکور بیست ذرع طول و ده ذرع  
عرض داشته هر کله تالار نادر شاه نشسته  
و بار هام داده است . و سبجان وردیخان

بفلم آقای هوشنگ سهرابی

### جانبازی در راه فرهنگ

میانطور که نباتات و جمادات و کواکب بزرگ و کوچک مرتباً از حیث شکل وحجم در تغییر و تبدیل بوده و آبی از حرکت و تکامل باز نیامیستند انسان نیز که بعضی اشرف مخلوقاتش مینامند بیروی از این قانون کسای طبیعت نبوده غوغا ناخواه بسوی کمال پیشرفته و هر روز هرساعت و هر دقیقه چیزهای نویسی کسب مینماید - تمام اعمال و گفتار و اندیشه و هرودانش مردم تابع مقتضیات زمان و مکان بوده خلاصه گام های بشری تمیماً با نوای تیک تیک ساعت عصر چوید پیش میروند و هر آینه یکفرد اجتماعی نخواهد از این روش همگسائی و طبیعی منحرف گردند که تنها منکوب و معذور و ناپود خواهد شد با مهای مرتجع و جاهل و وحشی و بوسیده نامیده میشود هر ملت و گروهی سعی میکنند اینگونه تنگبای قرن بیستم را از خود دور ساخته و با علم و دانش و فضیلت بگروند چنانچه شش سال جنگ خاباناسوز و هوشنگ بین المللی که هنوز دود خاکسترش در خرابه های استالینگراد و برلن و ورشو بلند است ثابت کرد علاوه بر شجاعت و رشادت و قوت قلب برای پیروزی نهایی و ناور مار کردن نیروی خصم اسلحه ها و آلات و ابزار شگرف و جدیدی لازم است که آن هم باید با علم و خرد و تراوشات مغزهای دانشمندان بوجود آید. یک کشور مقتدر و مردمان یک امپراطوری عظیم که دوازده و اندی سال با کمال قدرت در سرزمین خاسور زندگی میکردند با برتاب بسی یوزن یک کیلو گرام سبادت و حکمرانی چندین صد ساله اشرا از کف داده زبون و ذلیل و سراسر افکنده گشته و صفت شرم آور ویرا بتاریخ حیات بر افتخارشان افزودند - زمان های پیشین فتح و ظفر بره کسائی میکشت که دارای زور و نیروی جسمی بودند روی این اصل ایرانیان باستان به ویژه فرزندان نیکو سرشت آنان (کرد) گودکان خویش را به تیر اندازی و مسابقات قهرمانی و اسب سواری و چوگان بازی عادت داده تا بتوانند در میدان کارزار با حریف زورمندشان دست و پاچه نرم کنند درینا در تمام موارد زندگی شیوه دیرین اجداد را ترک ننگند در جهان ام و تله و بیرون با مناسه های ملی رستم و سهراب میبایم غافل از اینکه با خواندن اشعار شاهنامه و یکبار بردن هوشنگ و همشیر و سر نیزه نمیتوان از پیشروی ناک و زور پوش و اشمه مرگ و آذردو بیبهای ده تنی جلو گیری کرد پس باید هر چه زودتر بکاروان تندرو تعالی و تکامل باختریان خود را رسانده و از این حال زبونی و خمودگی بیرون آیم اینهم میکی نیست مگر با بالا بردن سطح معلومات افکار توده و تشویق دانش پژوهان و تبلیغ برای کسب معرفت و دانایی - حکومت ۲۰ ساله گذشته ظاهراً قدمهای مؤثری بمنظور تعالیم و تربیت جوانان روی سیستم اروپائیان

برداشت و شهرستان های ایران تکان عظیمی بخود داده بطوریکه هر کدام به نسبتبهای ۳۰ تا ۵۰ درصد جوانان اشرا بدان شکستهای الفسری و بزشکی حقوق و مستحق و دام بزشکی رفتی و غیره کسبل دادند مگر کردستان علی الخصوص سغز و پانه که به پیوجیه علاقه و تمایلی بفرهنگ نشان ندادند بد بهتانه حالیه نیز همین رویه را دنبال نموده کوچک ترین توجیهی با آموزش و پرورش گودکان خویش نیبمایدند و این او خراب فرار استماع بدستور وزارت فرهنگ سه کلاس دبیرستان سغز که باخون جگر و مغایره سدها تنگراف بمقامات عالی کشور و تشیبات قراوان بیدایش یافته بود بر اثر نداشتن آموزش کار کلاسها منحل بدون اینکه ساکتین سغز عکس العملی نشان داده و با لاقول در مطبوعات عدم رضایت را از این عمل جنایت آمیز وزارت فرهنگ ایراز دارند بد بهتانه سهل است که اینکار را نکردند بی نهایت مسرور و خوش حال شدند تا با کمال غرارت بتوانند اطفال مصومشان را بشاگرد بر بازی و گفلاش و هوه فروس و تانوائی و ادارت انوسو اینگونه بدوان چون دوزو ابای کوهستان های دور دست زندگی نموده و منما و ماداً با محیط خارج از بیاط کامل نداشته و ندارند آگه نیستند مقام علم و هنر تا چه اندازه بوده و کشورهای سرزمینشمن برای ازدیاد و نشر علوم و ادب چگونه نگاهاری میبایند روی سخن بنده یا مشهر بهای اوج بندم سغز بها میباشد یعنی چون در آن دیار متولد و از هوای لطیف و آب گوارا و گوهای مرتفع و چمنها و باغهای سبز و غر مش استفاده نموده و تقریباً هیچده بهار عمرم را در آنجا گذرانده ام لذا ناگزیرم دوزشت و ذبیانی و خوشبختی آن ها و همچنین گلیه ا کرد خود را سهم دانسته و هر اندازه بتوانم در سعادت و اقبال آنان بکوشم این است بدون بیروا گویانکه میدانم بر شی بنده را تشکیفر کرده و گفته هایم را بوج و بی معنی میدانند لیکن این بید از آن باد ها بلرزیده یا کمال صراحت جامعه سغزیرا متصدانسته و گناه اشرا قابل عفو نمیدانم فرزندان آن ها در چند سال دیگر بر اثر تیشرفت علم اینام گردش و تفریح بگرات ماه و مشتری و مرغ و کسپکشان ها میروند خواهند فهمید مریدان و سرپرستان آن ها چه اندازه بیبهری کرده و مرتبک خطاهای جبران ناپذیر گشته اند در اینصورت علاج واقعه را قبل از وقوع باید کرد اگر میخوانند مفسران در جهان امروزی زیست کرده و از زیر فشار ظلم و شکنجه غالب سامورین و طیفه شناس رهایی یافته و در چنگ نابکارانه اشرا رو بایدان و جاسوسان اسیر نباشند نخست باید مبارزه با جهل و خرافات و کهنه پرستی و فساد و چاپلوسی و تلقین را پیشه ساخته و آنگاه دست صمیمیت و برادری و یکرنگی و محبت را بسایر برادران کرد دیگر داده تا کردستان که چشم ایران عزیز است انفخارات دو خشان گذشته را تجدید و سر باندانه بیباب هدف معین و مقدس عزت پیش رود

### نظری آقای آصف

بقیه از صفحه ۲

( صحیح است ) من امیدوارم در اینصورت ایرانیان اعم از چپ و راست مالکین و کشاورزان کارفرما و کارگران از شاه گرفته تا وزیر از وزیر تا دبیر با هم کار دارند و با تشریک مساعی بدست خود خواهیم توانست وسایل رفاه خود را فراهم آورده . شاید خدا هم خواست ایران مثل بهشت شد ( صحیح است ) در خانه این عرایض خیلی میل داشتم چون دولت هم حضور دارند راجع به نوانسی که در اصلاحات امور کردستان هست این جا عرض نمایم ولی فعلاً آنرا موکول میکنم بوقوع دیگر چون این مکان مکان مقدسی است از بارگاه احدیت استغاثه مینمایم مارا موفق بدارند بجهز ان مدت گذشته در این عمر کوتاهی که از دوره چهاردهم باقی مانده با مساعدت این دولت قدمهای سریعی بفتح جامعه برداریم ( صحیح است ) و یک عملیاتی از طرف دولت برای این مردم بشود که باعث سر بلندی خودشان و رضایت مجلس شورایی گردد .

( صحیح است ) موکلین ما و هم میبندان عزیز ما پس از این همه رنج و مصائب یک روز روزنه روشنی بینند و یک استراحتی در زندگانی خود مشاهده کنند و طوری باشد که روز آخر دوره چهاردهم تنبیه با فضل حتمالی با یک پیشانی بلندی از این جاس خادج بشویم از من دعا و از قبل ملائکه آمین ( صحیح است )

یکی از خواننده گان ما که حتی اسم خود را مرقوم نداشته چند عبارت ذیل را در پاکتی گذاشته و ارسال داشته و اصرار زیادی هم نموده که حتماً درج کنیم . چون نظر خصوصی در میان نیست بامید این که واقعا نوشته صحیح باشد چاپ میکنیم .

### انوری ز اثر نجاند

یکی از فرزندان نامی و جگر گوشه سغز آقای محمد قاسم انوری است .

اگر زمانه ستکار و بیدادگری نبوده خود انوری شایسته شایسته گی بود .

ملاری اگر تکوینت نمی بود از کسائی است که میتواند دردهای اجتمائی را فوا نماید .

سیاست زندگی انوری را مساعد دیگران و بیگانه پرست بنا آورده است .

انوری علاقه مخصوصی بنامه کوهستان دارد و از توقیف آن قلباً بسیار متاسف و متاثر بود .

آنکه انوری را نوع دیگر بعضرتعالی معرفی نموده شخص بی تجربه و ظاهر پرستی بوده است .

از سغز : ش . ر

### آگاهی حضوریات

بتاریخ ۱۳۲۴/۷/۲۱ یا نوزدهم ( سیاه بادام ) باستاند بکبرک گواهینامه و رونوشت ششنامه دادخواست بشماره ۱۱۱۹۹/۱/۲۴ داده باینکه مرحوم محمد علی فرزند جرافعلی دو تاریخ ۱۲/۱۸/۱۳۲۲ در تهران جایگاه همیشه خود وفات یافته و متقاضیه مادر و آقای مهدی پسر و بانو بتول زوجه دائمی متوفی و وراثت متعمرش میباشد پس از شنیدن گواهی گواهان مراتب سه نوبت متوالی مامور یکبار در روز نامه رسمی کشور شاهنشاهی روز نامه کوهستان آگهی میشود با گذشتن مدت سه ماه از تاریخ اشرا ولین آگهی و نبودن معترضین حسب تقاضا اقدام خواهد شد و نیز اگر کسی وصیتنامه از متوفی دارد در ظرف مدت مزبور ایراز و الا هر وصیتنامه غیر از رسمی و سری ایراز شود از درجه اعتبار ساقط خواهد بود .

بزم آقای ت. امینیان

جو انردی ۹۰۰۰



این لغت يك صفت بخصوص را معرفی نمی کند . بفری میتوان گله جوانرد اطلاق کرد که واقعا صفات ، سخاوت - غیرت - عدالت و اغماص را بلاوه عاطفه و وجدان دارا باشد . نویسنده متکلیست که با انحطاط قضای و رواج وسرایت ردایل و پیشرفت مادیات و انول منویات اکنون جوانرد بشام معنی مفهوم ندارد و چون سیخ و کبیا شود بلکه منائر از آنم اگر اشعاشی پیدا شوند که فطری یا آگسای افلاور با صفت از صفات نامبرده بالا را داشته باشند بدیخته چنان در گرداب رسوم آدابیی معنی یا سیاست ناپسند اجتماع و زنده گی قرار میگیرند که بخودی خود صفت مندرجه آنان خاموش و مشتعل میگردد . حالاست که جمعی از خوانندگان محترم اعتراض نمایند که چگونه ممکن است صفات نیک در هر موقع و آن با هر دوره و زمان امکان ظهور و بروز نامرئوب باشد و در نتیجه در اشعاش خاموش و خفه شود .

در پاسخ مروض میدارد: کدام فرد است که امروز تسبی از دارائی خود را به امور غیریه واگذار کند و فوراً مورد ملامت دوروردیک نشود و نگویند این سروزمان منضی اینگونه بدل و بخشش ها نیست و . . . کدام شخصی است که بنام غیرت از اعمال منافعی عفت فلان خانه مروهه حسابش چلو گیری نماید گذر کسی را سراغ داری که عدالت و تضاروتی را بنام معنی اجرا نموده باشد و مقید و محصور زور - مننه - ملامت خویشاوندی طبع - و غیره شده باشد .

روی این زمینه است که باید گفت منتضیات و سیاست مشوم زنده گی در دنیای حاضر غالباً مانع و رادع تضایل و جوانردی شده است در قدیم الایام جوان مردان را در مالک مختلفه بالقبای می نامیدند و در میان طینه عوام ایران برای معرفی این اغماص گله « داش مشدی » استعمال میکردند و حقا میتوان گفت که این اشعاش بیاس این القاب دارای صفات بارزی بوده اند مثلا همیشه حامی ضعفا در قبایل اغنیا میشدند و چون لک کسی را میخوردند نیکندان نمی شکستند و همیشه در حریم خود ساعی بودند که کسی چشم غیانت و جنایت بنوامیس کسی نگاه نکند اگر مر و معاش مرتبی داشتند دستگیری پیشوا را میکردند، در غف و اغماص بد طولانی داشتند .

اکنون آن القاب و جوانردی به مفهوم سابق متروک گردیدند تمدن جای آن را گرفته و داش مشدی تمدن شده بنا

قدردانی

از اشوبه

فرهنگ استان ۴ - ورنوشت روز - نامه کیوان و ورنوشت روز نامه کوهستان در این مدت پنج سال که آقای حسن مدرسی به نمایندگی فرهنگ اشوبه مین شده بود از حسن اخلاق و رفتار و خدمات برجسته او که در پیشرفت و امیای فرهنگ این بخش بعمل آورده اهالی اشوبه تماما تشکرات صمیمانه خود را یاداره محترم فرهنگ استان ۴ از انتخاب چنین کارمندی جدی عرض مینمایند .

فلا در اشوبه هابیع است که نامبرده بعلت عدم توجه اولیای امور در ازدیاد حقوقشان که بدستی تکفوی هزینه اعاشه ایشان را نمیکند تقاضای انتقال به سیاهاد نموده اند نهایت تاسف و ادا داریم که چنین شخصی قابل و واجد شرایطی که رفتار و آدابش از لعاط و منضیات محل مورد همه گونه تحسین و تحسین است از فرهنگ اشوبه به سیاهاد منتقل گردید .

ادا از اولیای امور تقاضا مینماییم که نیک را از بد تشخیص داده و نظیر چنین مامورینی را در میان کارمندان شناخته و همیشه مورد تقدیر قرار دهند .

فلا در صورتیکه انتقال آقای مدرسی حقیقت پیدا کند علوم اهالی اشوبه منائر و از اداره محترم فرهنگ استان ۴ تقاضای اعزام ماموری را داریم حکنه نظیر آقای مدرسی باشد تا مروهون و سیاستگذار اداره محترم فرهنگ استان ۴ بوده و باشیم .

محمد امین بلدی - احمد امان - صادق هاشمیان - محمد گردا - جعفر زوزا - سلطان فرخ زاده - رحمن زوزا - کریم رحمانیان - حاجی جلیل بزاق - رحمن بلدی عبدالله - ابراهیم سلیمان - محمد کریم

بر این هر کسی که مدعی تمدن است و خود را در صفوف متدینین بشمار میآورد اقلا باید دارای سه صفت مندرجه جوانردان باشد و حقیقت و معرفت و برهان آدمیت نیز بر این است. داشتن این صفات و بکار بردن آن بیروی از احکام دین مبین اسلام هم می باشد بنا بر این گسائیکه متدین واقعی اند تمدن با این تعریف نیز برای آن ها اشکال ندارد و از آنان منتفک نیست .

وای بر احوال کسی که بگلی خود را از دایره تمدن با تمدن خارج سازد زیرا چنین فردی که فاقد صفات حسنه بالا باشد بطور خلاصه از امتحان آدمیت نیز مضاعف می باشد .

کوشش کنید با نگهداری و تقویت دو الا سه صفت نامبرده بالا هم متدین باشید .

اولین نشریه

الفبای آسان

کتاب «الفبای آسان» انتشار یافت این کتاب که بقطع کوچک ولی به معنا بزرگ است در ۵۶ صفحه چاپ شد .

آقای آزاد مراغی بر آن دریچه ای نگاشته اند که معایب الفبای فعلی را برای خوانندگان تشریح نموده و محسنات الفبای آسان را نیز خاطر نشان کرده اند برای گسائیکه علاقمندی به یادداشتن هم وطنان باشند داشتن یکچند از آن که فقط پنج ریال بهاء خریدار در ضروری است در صفحات آخر این کتاب حروف انتخاب شده «الفبای آسان» را میخواند و بساقت و در یاد زده صفحه آخر عبارات مختلفی است که با هر دو خط چاپ شده و با مطالعه آن هر گونه اشکال و اشتباه مرتفع خواهد شد .

گسائیکه بخواهند خدمت مفیدی بایران و ویرانی بنمایند از خواندن این کتاب و کوشش در یاد دادن الفبای آسان بهم میهنان نباید مشایقه نمایند .

الفبای آسان

سین س	s	ژ	j	زیر	a
ش	w	ای	i	آ - ها	ā
ت ط	t	ک	k	ب	b
او	n	ل	l	ج	c
و	v	م	m	چ	ç
خ	x	ن	n	د	d
ی	y	پش	o	زیر	ø
ظ - فی ذی ز	z	پ	p	ف	f
واو مجهول	o	ق - غ -	q	ک	g
همه بیاع ساکن	o	ر	r	ح -	h

(۴) علامت صلف برای حفظ و نیسایندین اصل مانند کین جهان k' inehân و کرونو k' azto

برای استحضار اهالی محترم سقز

مدتی است آقایان مشترکین محترم نامه کوهستان برای روشن شدن وضعیت معاشیه خود و همچنین پرداخت وجوه اشتراك در اسرع وقت بدقتر نمایندگی واقع دوسرای اتحاد مراجعه فرمایند .

نماینده نامه کوهستان - کلامی

بلی کلینیک تهران

بلی کلینیک تهران که دارای بخش های مختلفه پزشکی است تحت نظر آقایان دکتر عبدالحسین اردلان دکتر هوشنگ ظلی و دکتر جهانگیر جهانشاد اداره میشود .

آدرس تهران خیابان سوم اسفند اوقات پذیرائی صبح و عصر .

محل اداره: خیابان پهلوی روبروی کوچه

مریضخانه وزیری تلفن ۸۵۴۹

چاپخانه وزارت کشاورزی

تلفن ۴۷۸۷

# کوهستان

از طبع سرشار آقای علیقی مشوار

## درد بر کردستان

ایا فرخنده بی بیك كرامی رادبو طهران  
 درد او از من رسان بر خاک مشك آكین کردستان  
 درود خالص و بیفش بر آن بوم و بر دلکش  
 بگویم دشت مینوش بکردستان و اهل آن  
 درودشامری مهجور از شهرد بار خود  
 که باشد توتیای دبدبوی خاک آن سامان  
 وز آن پس باز گوی آن زاد بوم با کراال من  
 که ای مهر توام در دل چنان کامیخته با جان  
 ز افکار شکست انگیز گفتاری بود شایع  
 ز آسما ت کراف امیر اخباری شود عنوان  
 گویی دوباره تو زاز غایب رادیو پاریس  
 گویی با فقه مطبوعات خارج باومو هدیان  
 همیگویند کسز بیداد عمال ستم پیشه  
 سوهیدی و ز ایران شدی بوس و درو گردان  
 همی گویند کاندو سر ترا افتاده سودائی  
 خداااا کرده خود آزرده خاطر کشتی از ایران  
 بدل میل جدائی داری از خویش و تیار خود  
 پس شور سوالی پروری از کوره ساسان  
 هوسرانان ترا رهبر بساستلال میباشند  
 تویی اندیشه خنک از زورالی در این میدان  
 مرا هر کز گمان نبود چنین اندیشهها از تو  
 معاذ الله چنین افسانه باشد نهمت و بهتان  
 کرایش منظور را بیگانگان خوانند خود دانی  
 که آبانند در هر کار سرد خویش را خواهان  
 من این باور ندارم هر کز آن تو کز اول بودی  
 بنای فرهی و مجد ایران را بی و بنیان  
 تو و ایران یک جسیسوی یک جان وین عجب باشد  
 اگر کرددوی اطلاق بر یک بیکروی یک جان  
 ترا میل جدا گشتن از ایران خود بدان ماند  
 چون در دایدت عضوی بنطح آن دهی فرمان  
 تومهد زده دشت و منشاء دین بوی بودی  
 تو بودی پیش تازنده ایران تال سیعون  
 تو بودی بر جم افراز کین در معرود و یونان  
 تو بودی مرز ایران را ز دست باختر حافظ  
 تو استقلال ایران را ضمان بودی و پابندین  
 ز بیم تیغ بران تو سودی شهر یار رم  
 بیای بیاره شاپور نام آور سر خندان  
 در خنی باشه ایران شاخه های سبز گسترده  
 تو آن شاخی که سر افراستی ز فخر بر کیوان  
 بود سر سبز و خرم شاخه تابیوسته با اصل است  
 جدا چون کشت از اصل او فتد در گنج هیزم دان  
 تو از ایران سر افرازی و ایران الا تو نام آور  
 توی ایران و ایران تست این منی مسلم دان  
 برغم دشمنان امال کردستانیان اینست  
 که دائم عضو لایتنک ایران باد کردستان  
 همه اکراه را ورد زبان هفتیاز این باشد  
 که ایران زنده و پاینده باد و شاد و جاویدان

بقلم آقای کلاهی نایبند نامه کوهستان در سقر

## باید قدری بیدار بود

پس از وقایع شهر یورو عطف توجه  
 خاص دولت آرامش و امنیت در سراسر  
 منطقه سقر حکم فرما شد پای مامورین  
 کشوری باز شد و برای جمع نمودن مال و  
 چپاول مردم فرصتی بدست آوردند در  
 مقابل تمام عملیات منقمت برسانه آنها  
 هیچیک از اهالی رنج دیده ایمن منطقه  
 مقاومتی نکرد و آنها میدان مناسبی برای  
 تاخت و تاز بدست آورده بودند اولین  
 پایه سازمان های دارایی و اقتصادی که  
 اقطه حساس و منیع هر گونه فساد و مخزن  
 دزدی است گذاشته شد از مامورین معالی  
 و غیر معالی ادارات تشکیل شد انجام  
 وظیفه شروع گردید.  
 میلیون ها تومان قند، شکر، چای،  
 قماش، تریاک، اوراق بها دار، وجه نقد  
 برای خرید غله و توتون از طرف دولت  
 بدون حساب و کتابی در این منطقه ریخته  
 شد. جرب زبانیان و نیز نویسندگان و گشادند  
 و هریک با تشریک مساعی یکدیگر همتی  
 سوده آتیه تشدنی بود کردند. میلیون ها  
 ریال مال دولت و ملت بیچاره را از روی  
 صادرات و واردات یک قسمت دقتر چایی  
 تهیه چند برك صورت مجلس - صدور تقصیر  
 ابتیاری - توافق با مودیان مالیاتی و تمهیدی  
 غله - رای کمیسیون - صدور پرستنامه -  
 صدور کوپن - توزیع کالا - خرید غله و  
 توتون - فروش تریاک - اخذ سوخته از  
 معتادین ارسال دوده میراخ بر کز بجای  
 آن - اصدان تقصیرهای قضایی - اجازه  
 فروش مرق قاجاق و غیره و غیره بلندو  
 بجهت زدن رده ای از متنفذین و گرفتن  
 کفالتها کادلی گرفتند عبارت **مقتضیات  
 محل ایجاب میکند** کاری کرد که  
 باین حسابها رسیدگی نشد. بازرسی از  
 مرکز اهزام امیکشت - مامورین صالح  
 حکمتر حاضر بودند باین منطقه بیایند تا  
 اینکه کابیه پولها بصرف رسید و مرام و  
 مقصود تامین گردید.  
 در این اواخر بر اثر آرامش منطقه  
 به گزارشات اخیر عمده ای از مامورین  
 پاکدامن که همواره تحت تاثیر نفوذ متنفذین  
 بودند و خون دل میخوردند و بسه کرات  
 گزارش های محرمانه خود را بنظر اولیای  
 امور مرکزی می رسانیدند ترتیب اثر داده  
 شد بازرسی اعزام گردید صداقت آنان  
 محرز و پروندهها تشکیل شد. از متنفذین  
 بعد کالی بوسیله دادگاه سامن اخذ گردید  
 و مجددا بکار های خود ابقام میشدند.  
 گزارش دهنده کان باید باداش و ترفیع  
 مقام مناسبه روی اصل اقدامات متنفذین  
 پس از یکدوره سر گردانی و استیصال  
 در مرکز شهرستان سندهج از خدمت معاف  
 شدند.  
 نکارنده که بوضع کارمندان مسود  
 بحث آشنا هشتم از شرح استیصال و پیریشانی

آنان خجالت دارم و باز خجلم از اینکه  
 بگویم باداش خدمات آنان معالبت از  
 خدمت شده است.  
 ولی برای جلب توجه اولیای امور  
 مختصرا باین موضوع اشاره ای نموده  
 عموما انتظار دارند که با منمکن بودن  
 آن در نامه کوهستان بلکه این بیچارگان  
 حقوق از دست رفته خود را مجددا بدست  
 آورند.  
**کوهستان** - از جریان بازرسی در  
 قسمت غله سقر اداره روزنامه، اطلاعات  
 کالی و کاملی دارد قبل از وصول گزارش  
 نایبندگی سقر هم توجه اولیای اداره کل  
 غله باین موضوع جلب شده بود و موضوع  
 بازرسی غله سقر هم کاملا مورد توجه قرار  
 گرفته بود و اقداماتی هم برای تنبیه  
 متنفذین و متضلعین بعمل آمده اما راجع  
 به چند نفر مورد بحث که بیجهت از کار  
 برکنار شده بودند دستور صریح و اکید  
 داده شده که احکام مجدد آنان صادر و  
 بعدت پذیرفته شود.  
 بنا بر این لازمست عموم مردم متوجه  
 باشند که میتوان جلو گیری کرد از اینکه  
 حق کسی پایمال نشود ولی شرط عمده  
 همکاری عمومی است یعنی اول مردم باید  
 بخواهند که از آنها رشوه گرفته نشود  
 بخواهند که دزد تمقیب شود بخواهند که  
 قانون اجرا شود و قتی که این فکر را داشته  
 کلیه اعمال غیر قانونی را که روی میدهد  
 باید بنویسند و جدا از اولیای امور بخواهند  
 و حقیقتا همکاری کنند قطعا به نتیجه میرسد  
 والا چگونه ممکن است دست دزد را  
 کوتاه کرد اگر مردم چیزی نکوبند شکایتی  
 نکنند و یا بالمعکس تعریف کنند پس بنا بر  
 این باید دانست که قسمت عمده خرابیها  
 را خود مردم ایجاد میکنند.  
 اقدامات فوق السوته ای بود از اینکه  
 میشود دزد را تمقیب کرد و میشود حق از  
 دست رفته را پس گرفت حال اگر میخواهید  
 اوضاع شما روی بهبود برود باید همکاری  
 کنید آتم همکاری مادقانه. اطمینان داشته  
 باشید اگر علاقه باصلاح اوضاع خود داشته  
 باشید خیلی زود میشود خرابیها را جبران  
 نمود و خیلی آسانی میتوان اوضاع فراهم  
 کرد که مردم براحتی زنده گنی کنند و کسی  
 با آنها نتواند تمقیب بکند **ولی هر ط  
 اساسی این است که هر دم بخواهند  
 نه اینکه بخواهند**

فرماندهی لشکر کردستان باشعاس  
 ذیل تأمین داده و بسکن خود مودت  
 نوده اند.  
 محمود کالی ساتالی و پسرانش -  
 محمد علی تلی - محمود ضامنی - مظفر  
 رزایی - محمد شریف و محمد رفید  
 آلیانه.